**جلسه هفتم(۱۹/۷/۱۳۹۴)**

**مطلب بعد:**

برخی از فقها فقط اجتهاد و تقلید را واجب و احتیاط را جایز نمی­دانند[[1]](#footnote-1) دلیل ایشان ادلّه وجوب تعلُّم است.

به این بیان که می­گویند ادلّه وجوب تعلُّم احتیاط را رد می­کند

مثل آیه نبأ که امر به تبیُّن امر به وجوب علم است[[2]](#footnote-2) .

و مانند: لا تقفو ما لیس لک به الظن إنَّ الظن لا یغنی ... دلیل است که علم به مسائل شرعی ضروری است

و همچنین روایات دیگری که ما را امر تعلُّم می­کند و ...که همگی دلالت بر وجوب تعلُّم و یاد گیری احکام دارند و یاد گیری احکام یا به اجتهاد است یا به تقلید

در پاسخ به این کلمات می­گوییم

**برای وجوب تعلُّم سه صورت قابل تصوُّر است**

**۱.وجوب تعلُّم نفسی باشد:** یعنی مستقلاً امر به تعلُّم از سوی خداوند آمده است و آن را تشریع کرد همان گونه که تعلُّم را تشریع کرد.

به نظر می­رسد وجوب تعلُّم نفسی نباشد

**دلیل:**

**مقدم:** اگر وجوب تعلُّم نفسی باشد.

 **تالی:** لازم می­آید که اگر کسی نماز را ترک کرد یا غلط خواند دو عقاب ببیند یکی بخاطر ترک نماز و دیگری به خاطر امر نفسی وجوب تعلُّم .

**و لکن التالی باطل**(در حالی که هیچ فقیهی قائل به دو عقاب نیست)

**فالملزوم مثله**( وجوب تعلُّم نفسی نیست)

**۲.وجوب تعلُّم مقدِّمی باشد:** یعنی مقدمه صحیح خواندن نماز و سایر اعمال این است که مردم مکلَّف به تعلُّم و یاد گیری هستند همانگونه که نصب سُلَّم جنبه مقدمی دارد یاد گیری عبادت جنبه مقدمی برای عبادت صحیح دارد لذا امر به تبیُّن و تعلُّم شده است

**جواب:** به نظر ما وجوب مقدمی هم ندارد .

**دلیل:** برای اینکه وجوب مقدمی غیری است و وجوب غیری در اجزاء و شرایط است (مثلاً طهارت های ثلاث وجوب غیری دارند اما نماز وجوب نفسی دارد إرکع و أُسجد و...وجوب غیری دارند اگر نماز واجب نفسی است بقیه اوامر مربوط به نماز واجب غیری دارند)

 در حالی که وجوب تعلُّم از اجزاء و شرایط عبادات نیست.

**نتیجه:** وجوب تعلُّم لذا مقدِمیَّت و غیریَّت ندارد.

**۳.وجوب تعلُّم ارشادی باشد و هو الحق:** وجوب تعلم ارشادی است.

**سوال:** چه فلسفه ای دارد که آیات و روایات تأکید بر یاد گیری احکام کنند ؟ آیا ارشادی بودن اوامر تعلُّم محتوای آیات و روایات را کوتاه نمی­کند و مردم را نسبت به یاد گیری احکام به تساهل و تسامح نمی­اندازد.

**جواب:** فلسفه ارشادی بودن اوامر تعلُّم معذَّریت و عدم معذَّریت است یعنی ما را راهنمای می­کنند به اینکه اگر جهل به واقع داشته باشی عند الله معذور نیستی اما اگر احکام را یاد بگیری اگر اشتباه یاد گرفتی معذور هستی.

در نتیجه ارشادی بودن به معنی چالشی شدن وظایف عملیّه نیست بلکه در محیط عذر و عدم عذر است.

 اگر کسی تبیُّن کند و لو نتیجه تفحُّص او خلاف واقع در آید معذور است و اگر کسی طبق فتوی عمل کند بعد کشف خلاف شد معذور است اما جهل عذر نمی­آورد. و اگرحکم شرع نباشد عقل می­گوید جهل عذر نمی­آورد اما علم معذَّریت می­آورد حتی اگر کشف خلاف شود.

1. ۲۱- نه تنها آن را در عرض اجتهاد و تقلید نمی­دانند حتی در طول آن دو نیز آن را قبول ندارند. [↑](#footnote-ref-1)
2. ۲۲- یا ایها اللذین آمنوا إن جاءکم فاسقٍ بنبأٍ فتبیَّنوا آن تصیبوا قومً بجهالهٍ فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین. حجرات(۶) [↑](#footnote-ref-2)